



دانشکده دندانپزشکی

School of Dentistry, Shahid Beheshti University of Medical Sciences



نشریه فرهنگی،
اجتماعی، سیاسی
مبین



سال سیزدهم، شماره ۴۴
مهر ۱۴۰۰؛ دانشکده دندانپزشکی
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه
علوم پزشکی شهید بهشتی
مدیر مسئول: حمیدرضا شوش پاشا
سر دبیر: صبا ولیایی
باتشکر از زحمات محمد جواد سلیمانی

STUDENTISTS

ترمک جان سلام!!

ویژه نامه ای برای نودانشجویان دانشکده دندون

این شماره از نشریه مبین، مخصوص شما دوست های جدیدمون هستش؛ یه راهنما برای مسیر چندین ساله تون توی دانشکده دندونپزشکی شهید بهشتی؛ و یک گپ دوستانه در مورد زندگی دانشجویی و ابعاد مختلف و مهم و پیچیده اش، دورانی که منتظر تو نمی مونه، و آگه سریع نجنبی می بینی سال ها از دوران تحصیلت گذشت و تو حتی یکی از ده ها برنامه ات برای این دوران به ثمر ننشسته... پس با ما همراه شو...

 NASHRIE_MOBIN

به نام خدا

فهرست

ترمک جان سلام!!! ۱

سید سینا آذریون

از قبولی سنجش تا دانشجوئی ۲

محمد جواد سلیمانی

آموزش مجازی ۴

نیلوفر میرزا محمدی

دانشگاه علوم پزشکی تلگرام ۶

مصطفی اونق

گروه، اکیپ، قبیله ۸

امیر محمد انصاری فیض آبادی

حالا که دانشجو شدیم ۹

رها مرسلی

خوابگاه ۱۰

صبا اولیائی

دانشجو شدیم... خب که چی؟! ۱۲

سید محمد معین میرابراهیمی

معرفی برنامه های بسیج ۱۴

علی عمرانی

مدیر مسئول: حمیدرضا شوش پاشا

سر دبیر: صبا اولیائی

با تشکر از زحمات محمدجواد سلیمانی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده دندانپزشکی

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

طراح جلد و صفحه آرا: مهدی عباسی

همیشه در کنار لذت ها، محنت هایی هم وجود دارد و همیشه کنار موفقیت ها و موقعیت های خوب، آسیب هایی هم وجود دارد. اما مهم اینکه از مسیر پیش رو، با کسب آگاهی ها و مهارت ها جهت رشد کردن و رسیدن به بهترین خودت استفاده کنی و لذت ببری.

ترمک جان سلام!!!

قبل از هر صحبتی، اولین موردی که می‌خوام بهت بگم پرتکرار ترین حرفی هست که از زمان اعلام نتایج تا الان شنیدی، تبریک برای شکستن شاخ کنکور و ورود به بهترین دانشکده دندانپزشکی ایران؛ شیرینی این موفقیت حالا حالا ها قراره زیر دهننت مزه کنه و خب لیاقت این حس و حال خوبم داری! و اما بعد... از کنکور که بگذریم با تمام سختی و شیرینی هایی که برات داشته الان وارد فصل جدیدی از زندگیت شخصی و اجتماعی شدی؛ وارد دانشگاه شدی... قبلاً مهمترین مسئله برات درس بوده ولی الان، درس یکی از مهمترین موضوع هاست ولی نه تنها ترینشون...

الان تو فرصت فوق العاده ای داری، که علاوه بر افزایش آگاهی علمیت، مهارت های مهم دیگه ای که در زندگی آینده ات بهشون نیاز پیدا می‌کنی کسب کنی؛ مهارت هایی مثل:

- چجوری ارتباط برقرار کردن با کسانی که ۱۸۰ درجه باهات تفاوت

دارند اما باید باهاشون کنار بیای - برنامه ریزی (نه کنکوری!) و اینکه چطوری خودت رو با یک شرایط جدید وفق بدی...

- مسئولیت پذیری های اجتماعی با حضور در تشکل ها و تلاش کردن در مسیرهایی که باعث بهتر شدن محیط اطراف مون بشه و...

چون به هر حال «تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گراف/ مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی»

دانشگاه می‌تونه این محیط جهت رشد رو بهت بده در صورتی که خودت هم بتونی از این موقعیت درست استفاده کنی اگه می‌خوای یک دندون پزشک موفق بشی، اگه می‌خوای یک پژوهشگر خوب بشی، اگه می‌خوای یک مدیر سلامت عالی بشی و یا هر چیز دیگه ای؛ تو دانشگاه میتونی در مقیاس های کوچکتر این شرایط رو برای خودت به وجود بیاری و در جهت رسیدن بهشون مهارت های لازم رو کسب

نیوسی

ترمک جان!!!



لب ساحل خوش می‌گذره...

ترمک جان سلام!!!

سید سینا آذریون دانشجوی ترم ۶ رشته دندانپزشکی

دارند اما باید باهاشون کنار بیای...
طبیعتاً در طی این سال های طولانی پیشرو داخل همین محیط، موانعی هم برای رشد پیدا میشه که باید با آگاهی کامل باهاشون مواجه و ازشون رد بشی چه از نظر چالش های درسی و چه غیر درسی که به قول مولانا؛ «کوزه بودش، آب می‌نمده بدست آب را چون یافت، خود کوزه شکست» همیشه در کنار لذت ها، محنت هایی هم وجود داره و همیشه کنار موفقیت ها و موقعیت های خوب، آسیب هایی هم وجود داره. اما مهم اینکه از مسیر پیش رو، با کسب آگاهی ها و مهارت ها، جهت رشد کردن و رسیدن به بهترین خودت استفاده کنی و لذت ببری. خلاصه اینکه اینجا تازه شروع ماجراست و سلام ترمک جان!!!

از قبولی سنجش تا دانشجوئی

محمد جواد سلیمانی دانشجوی ترم ۲ رشته دندانپزشکی



چرا تموم
نمیشه هم من
راحت شم هم
...تو...

تحصیلی برای پسرا یا کارت پایان خدمت برای آقایون! دوستانی که کارت پایان خدمت یا معافیت خاصی دارن که تکلیفشون مشخصه اما درباره معافیت تحصیلی؛ بنده خودم بشخصه خیلی اذیت شدم لذا توجه کنین که این ها باید فراهم باشه:

الف) اول از همه باید برید در سایت نظام وظیفه و با کد سخا از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی درخواست معافیت کنین.
ب) پرینت صفحه قبولی سنجش
ج) یک نامه که نشون بده

بعد دیدن اون صفحه سازمان سنجش که مطمئن میشی بهایی که پرداختی، عبت نبوده و قراره روزهای جذابی رو تجربه کنی... اما قبل از رسیدن به اون ها باید چند مرحله رو پشت سر بذاری؛ مرحله‌ای که اگر چه ساده هستن اما میتونن گیج کننده بنظر بیان لذا در ادامه همراهمون باش تا صفر تا صد ثبت نام دانشجویی رو توضیح بدیم.

- اول از همه؛ به احتمال خیلی زیاد، ثبت نام شما غیر ضروریه که این یعنی باید اسکن مدارک رو توی «سما» آپلود کنین و بعدش یکسری هارو پست.

خب حالا چه مدارکی؟!
۱- مدارک شناسایی مثل «شناسنامه و کارت ملی و...»
۲- مدارک تحصیلی که باید از مدرسه بگیریدشون مثل «تاییدیه تحصیلی، گواهی موقت دیپلم، کد رهگیری دیپلم، ریز نمرات، فرم ۶۰۲، کارنامه های سه سال آخر و...»

۳- یه تعداد فرم که بایستی پرینت و امضا بشن؛ به همراه یک تعهدنامه که میگن شما باید حداقل به اندازه مدت تحصیل برای دولت کار کنید (در زمان نگارش این متن، این تعهد مصداق کی داده کی گرفتس!)

۴- مدارک تعیین کننده وضعیت نظام وظیفه: مثل معافیت

کاندید سوم سخت ترین
شغل دنیا بعد فضاوردی و کار
در معدن، ثبت نام تو دانشگاهه
شک نکن... 😂

شما دانشجوی دانشکده هستید (برای اینکار میتونید مدارک رو ناقص در سما آپلود کنین بعد از اون صفحه آخری که بهتون میده پرینت بگیرید.)

شعبه خلوت و کارمند با حوصله!!! شاید باورتون نشه اما اگه این مورد نباشه معافیت رونمیدن:

۵- شناسنامه سلامت دانشجو: هر سال یک فرمی

به این عنوان به نو دانشجو ها داده میشه که پراز آزمایش های مختلفه... همینقدر بدونید که فقط لازمه برید پیش به پزشک عمومی برای یک چکاپ معمولی همین و اون آزمایش ها تنها به صلاح دید پزشک الزامی اند.

دانشجویان پردیس: این دوستان علاوه بر

مراحلی که گفتیم باید یک مبلغی رو به صورت

سفته آماده کنند (سال ۹۹ این مبلغ ۵۰ میلیون تومان

بوده) بعد از اون باید به همراه دو ضامن به دفتر اسناد رسمی مراجعه کنن و امضاشون رو تایید محضری کنن. در آخر هم لازمه یکسری مدارک مثل فیش حقوقی برای دانشکده پست بشه.

بعد از اینکه ثبت نامتون انجام شد فقط کافیه مدارک رو به آدرس دانشکده ارسال کنید. (اطلاعات آموزش و دانشکده رو میتونید در قسمت ضمایم پیدا کنید).

حالا شما دانشجوی دندانپزشکی شهید بهشتی هستی و باید منتظر کارت دانشجوییت باشی!

نکته پایانی: برای شما نو دانشجو ها، گروه ها و کانال

های ارتباطی در نظر گرفته شده که میتونید برای اطلاعات

بیشتر در اینباره به اون ها مراجعه کنید. همچنین دوستانی

از ترم های بالاتر در دانشکده حضور دارن که میتونن

مشکلات احتمالی شمارو حضوری پیگیری کنن پس اگه

احساس نیاز کردی، در خدمتیم.



روزی دوبار مسواک و یک بار نخ دندان
یادت نره ها

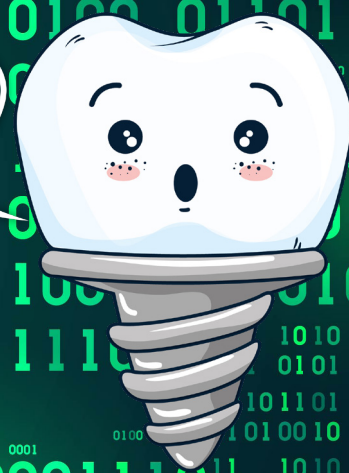
خیر سرمون قراره دندونپزشک بشی...

اون ها باید چند مرحله
رو پشت سر بذاری؛
مراحلی که اگر چه ساده
هستن اما میتونن گیج
کننده بنظر بیان لذا در
ادامه همراهمون باش.

بعد دیدن اون صفحه سازمان سنجش که مطمئن میشی بهایی که پرداختی، عبت نبوده و قراره روزهای جذابی رو تجربه کنی... اما قبل از رسیدن به اون ها باید چند مرحله رو پشت سر بذاری؛ مرحله‌ای که اگر چه ساده هستن اما میتونن گیج کننده بنظر بیان لذا در ادامه همراهمون باش تا صفر تا صد ثبت نام دانشجویی رو توضیح بدیم. بعد دیدن اون صفحه سازمان سنجش که مطمئن میشی بهایی که پرداختی، عبت نبوده و قراره روزهای جذابی رو تجربه کنی... اما قبل از رسیدن به

کار شما اینه که درس هاتون رو خوب بخونید و نمره های خوبی بیارین، البته که اینکار به سادگی گفتنش نیست و اگه تا الان عادت شب امتحانی بودن داشتید باید کامل فراموشش کنید؛ چون حجم دروس دانشگاهی خیلی زیاده و اگه بخواید که نمره خوبی بگیرید و نگران افتادن درسی نباشید، باید از همون ابتدای ترم برای درس خوندن وقت بذارید.

اوووو...
یعنی قبول شدم؟!



آموزش مجازی

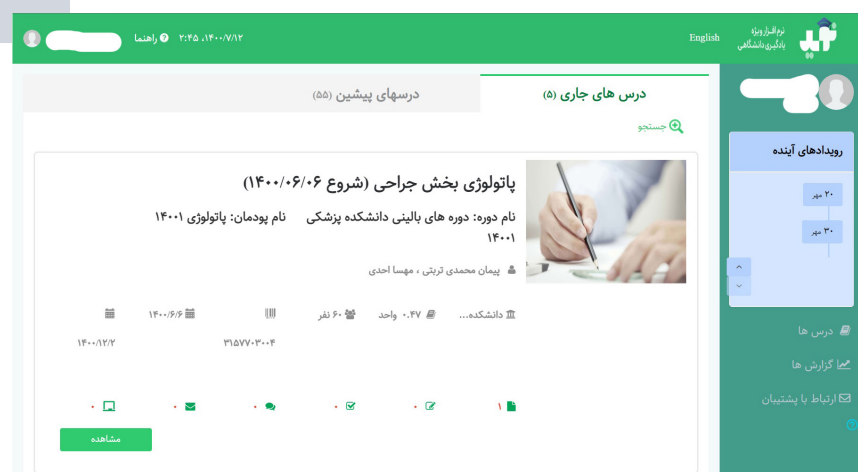
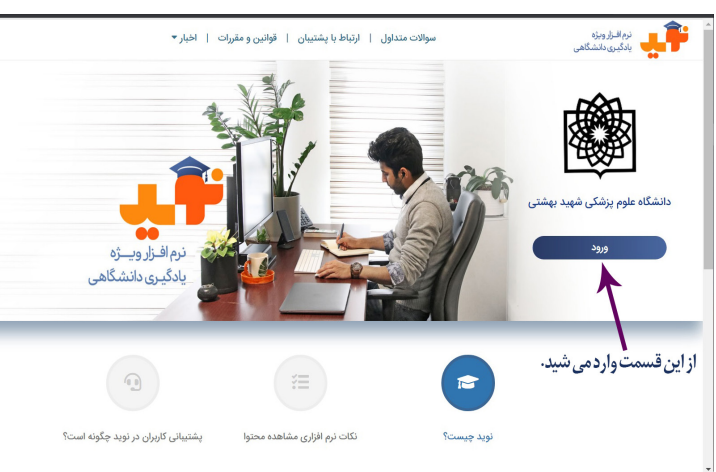
نیلوفر میرزا محمدی دانشجوی ترم ۳ دندانپزشکی

ترمکی ها سلام...

از همون ابتدای ترم برای درس خوندن وقت بذارید. البته این قضیه به معنای این نیست که شما نمیتونید برای کارهای دیگه تون وقت بذارید. اتفاقا یه دانشجوی خوب در کنار رسیدگی به درس های دانشگاهیش دنبال یاد گرفتن مهارت های دیگه هم هست و با یه برنامه ریزی درست به تمامی کارهاش میرسه. پس خیلی خیلی حواستون به برنامه داشتن برای روز هاتون باشه. ما ورودی های ۹۹ تجربه کلاس حضوری نداشتیم و تا اینجای کار رو با آموزش های مجازی جلو اومدیم. قطعاً آموزش مجازی در کنار سختی ها و مشکلاتی که داشت دارای مزیت هایی هم بود که اگه بخوام به مهم ترینش اشاره کنم این بود که خودمون میتونستیم وقتی که برای دیدن محتواهای آموزشی میذاریم رو تعیین کنیم و هرچند بار که دلمون میخواست میتونستیم ویدیو رو عقب بزنیم و تدریس اساتید رو چندبار مشاهده کنیم اما از معایبش این بود که چون

چقدر زود دوران ترمک بودن خودم به پایان رسید و حالا انجام تا به ورودی های جدید کمک کنم و یکمی مسیری که در پیش دارن رو براشون توضیح بدم.(ویراستار: البته از نظر ترم بالایی، یه ترم پایینی همیشه ترمک محسوب میشه، حتی اگه ترم یازده باشه) اما قبل از اینکه وارد حال و هوای دانشجویی بشیم، یه خسته نباشید جانانه بهتون میگم بابت موفقیت پشت سر گذاشتن کنکور و قبولیتون توی این رشته و دانشگاه. حالا بریم سراغ کار خودمون. ترم ۱ شما نیاز به انتخاب واحد ندارید و اینکار توسط خود دانشگاه برای شما انجام میشه. کار شما اینه که درس هاتون رو خوب بخونید و نمره های خوبی بیارین، البته که اینکار به سادگی گفتنش نیست و اگه تا الان عادت شب امتحانی بودن داشتید باید کامل فراموشش کنید، چون حجم دروس دانشگاهی خیلی زیاده و اگه بخواید که نمره خوبی بگیرید و نگران افتادن درسی نباشید، باید

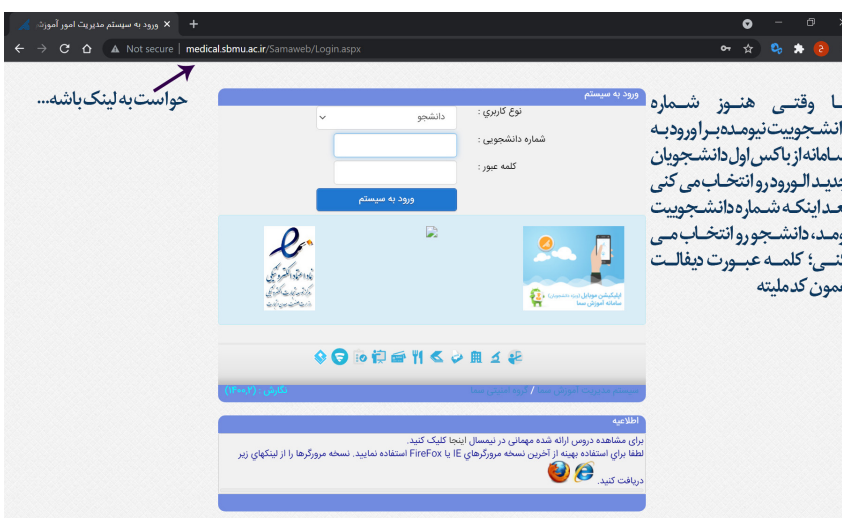
زمان نظرسنجی که شد حتما انجامش بدید. حالا سامانه نوید به چه دردی میخوره؟ وقتی که آموزش ها مجازی شد تمامی تدریس ها داخل این سامانه آپلود میشه و شما با ورود به این سامانه میتونید لیست دروستون به همراه محتواهای تدریسی از قبیل ویدیو و پاورپوینت و ویس و ... رو ببینید و دانلود کنید. همچنین اگه استاد پیامی بفرستن و یا کلاس آنلاینی بخوان برگزار کنن شما از طریق همین سامانه نوید میتونید پیام و لینک ورود به کلاس رو ببینید. همچنین امکان برگزاری کوییز هم داخل این سامانه وجود داره. خلاصه که توی آموزش مجازی یکی از کارهای هر روز ما این بود که به سامانه نوید سر بزنیم و ببینیم مطلب جدیدی آپلود شده یا نه. راستی یه نکته خیلی مهمی رو هم که بهتون بگم از همون اول ترم برای خودتون گروه جزوه نویسی داشته باشید تا شب امتحان سردرگم نباشید. فکر میکنم مورد خاص دیگه ای نیاز



برابر اول باید از طریق ساماورد بشین...
برادفعات بعدمی تونین برا خودتون نام کاربری و رمز عبور تعریف کنین یا با همون رمز و عبور سماوارد شین...

بیاین یبار برای همیشه مراحل ورود به سامانه نوید رو با هم یاد بگیریم...
sbunavid.vums.ac.ir

اینم سایت سما:
medical.sbm.ac.ir



یعنی چی... یعنی چی... یعنی چی...
یعنی چی... یعنی چی... یعنی چی...
یعنی چی... یعنی چی... یعنی چی...
یعنی چی... یعنی چی... یعنی چی...

نیست که بهتون بگم و مطمئن باشید بعد از گذشت یه مدت کامل دستتون میاد که باید چکار کنید و چطور پیش برید. در آخر هم برای همه تون آرزوی سلامتی و شادی دارم و امیدوارم که در تک تک مراحل زندگی تون موفق باشید.

دانشگاه علوم پزشکی تلگرام!!

مصطفی اونق دانشجوی ترم ۴ دندانپزشکی

چرا این نشریه
تموم نمیشه!!!



حضور همیگر رو ببینین، تنها راه شناخت شما از دیگری، عکس های پروفایلتونه. برخی دوستان که دستشون درد نكنه حداقل عكسی از خودشون تو پروفایل میذارن و می شه ماه روی اونا رو دید. اما مشکل اصلی از اونجا شروع می شه که دوستان با عکس های پروفایل عجیب و غریب اقدام به حضور در جمع می کنن. مثلاً یادمه دوست محترمی با پروفایل زلاتان ابراهیموویچ در حال پیام دادن بود، جوری که واقعا حس می کردی زلاتان عزیز در سوئد کنکور تجربی خارج داده و تونسته در رشته دندانپزشکی شهید بهشتی قبول بشه!

حالا هم صحبتی با بازیکنان اسطوره ای فوتبال و بسکتبال و همنشینی با بازیگران مطرح دنیا به نسبت قابل تحمل تر بود ولی دیگه عکس گل و گیاه رو کجای دلمون باید بذاریم؟ هنوزم که هنوزه، حس میکنم بعضی از دوستان شبیه گل و گیاه هستند. پس عکس پروفایل شما نشون دهنده شکل و شمایل شماست، در حفظ و نگهداری اون کوشا باشید!

این مورد هم خیلی جالبه، در بحث های جمعی ترجیحا رعایت کنین و حرف های بزرگ و فلسفی و متفکرانه طور نزنین، که بعدا قشنگ کار دستتون میده! این سخنان گهربار ممکنه ماندگار بشن و همیشه همکلاسی هاتون شما رو به اون سخنان گهربار تون بشناسن. یه سال دیگه وقتی برمیگردین و به پیام هاتون نگاه می کنین مسلماً از خودتون میپرسین آخه من چرا این چیزا رو گفتم و کلی می خندین به هم.

فارسی را پاس بداریم! فردوسی بسی رنج برد در آن سال سی تا زبان فارسی رو زنده نگه داره. این هم شبیه مورد قبلیه ولی اختصاصاً باید بهش دقت بشه. میدونم زبان انگلیسی خوبی داری ولی حد المقدور فینگلیش تایپ نکن! حرکت شدت سطحی محسوب میشه؛ خداروشکر کیبورد فارسی اختراع شده، ازش استفاده کن، اینجا دانشگاه کینگز کالج لندن نیست که؛ شهید بهشتیه همچنین

زندگی دانشجویی امامجاری!

نودانشجوی عزیز، سلام. ورودت رو به دانشکده دندانپزشکی شهید بهشتی تبریک میگم. متأسفانه شرایط، مجال آموزش حضوری رو نمی ده، و حتی مایی که تقریباً یکسال شده که به عنوان دانشجوی این مملکت شناخته شدیم، هنوز هم که هنوزه هیچ رنگ و بویی از زندگی شیرین دانشجویی رو ندیده ایم. از اون زندگی که وقتی کنکوری بودیم، رفقای دانشجوی ما با آب و تاب برایمان تعریف می کردند و قصه ها می یافتند. نشستن پای درس اساتید، محوطه دانشگاه، زندگی های رنگارنگ در خوابگاه و از همه مهم تر همکلاسی ها؛ سهم ما تا الان از زندگی دانشجویی فقط گروه های کلاسی در شبکه های مجازی بوده. اما خداروشکر مجازی بودن مانعی برای آشنا شدن با همکلاسی ها نبود. از همون اول وجود گروه واحد باعث شد حداقل همکلاسی های خودمون رو بشناسیم.

چند نکته رو میخوام بهت بگم واسه اینکه راه بیفتی: اول اینکه توی گروه های کلاسی فعال باشید! همه شما دانشجویان تازه وارد هستین پس خجالت رو بذارین کنار و سعی کنین در بحث ها مشارکت کنین تا با همدیگه آشنا بشین **پس گوشه نشینی ممنوع!** مورد بعدی اینکه شما تا مدتی شاید نتونید بصورت



سعی کنین چند نفر دوست پیدا بکنین تا بعداً در انجام فعالیت های کلاسی و گروهی به مشکل برنخورین! ممکنه بعضی دوستان درونگرا باشن و لازم باشه خودتون برین سراغشون. پس وقتو تلف نکنین و سریع برای خودتون گروه تشکیل بدین.

از کلمات شیرین فارسی استفاده کنین وگرنه باز عاقبت مورد قبلی نصیب شما میشه! پس بهتره (هلو فرندز واتساپ!!) رو تبدیل کنین به (سلام دوستان چه خبر!!). هنوزم برخی کلماتی که دوستان انگلیش استفاده می کردند از دهن بچه ها نیفتاده!

ارزش تویی که انقدر تلاش و هوش و پشتکار داشتی که تو یکی از بهترین دانشگاه های کشور قبول بشی قطعاً بیشتر از اینکه که یه سرت رو بندازی پایین و درست رو بخونی و مدرکت رو بگیری و بری! از همین الان تلاش کن تو محیط اطرافت اثر بذاری؛ برای جایی که توش زندگی میکنی تلاش کنی و نسبت به اون بی تفاوت نباشی.

و مورد آخر اینکه، شما به تازگی کنکور دادین و خیلی از دوستان (با توجه به تجربه) تمایلی ندارن زیاد درباره کنکور و اینا حرف بزنن، البته بهترین کار رو هم همین دوستان انجام میدن، دیگه اون دوران تموم شد بابا، راحت باش و زندگیو بکن. پس سعی کنین زیاد بحث کنکور رو در گروه ها مطرح نکنین که درصد مشارکت میاد پایین! خوب اینا چند نکته ای بود که به نظرم میتونه به شما کمک بکنه که در گروه های دانشجویی راه بیفتین و تا حدی خودتون رو وارد فضای دانشجویی بکنین. بقیه نکات رو خودتون با ورود به این فضا پیدا خواهید کرد. موفق باشید!

حالا که دانشجو شدیم!!

رها مرسلی دانشجوی ترم ۵ دندانپزشکی

که از کجا شروع کنم و چی بخونم و خیلی زیاده و این حرفا. بنابراین آمادگیشو داشته باش. سعی کن زمانت رو تقسیم کنی. و به جای اینکه یه روزهایی بکوب درس بخونی و یه روزهایی حتی ازت بپرسن دانشجوی چه رشته ای هستی یادت نیاد، هرروز یه زمانی رو اختصاص بدی به درسهای مهم و مازور.

برای بقیه ی تایمت هم مطابق علایقت سعی کن حتما یه مهارت یاد بگیری. مهارت های ICDL مثل پاورپوینت (یاد ارائه هام که میفتم از استرس نمیدونم چکار کنم.) و ورد و اینا رو بهشون مسلط شو و تایپ ده انگشتی هم بلد باش.

روی انگلیسیت کار کن، زمان خوندن رفرنس ها و سایر منابعی که استاد معرفی میکنن به دردت میخوره. نیمرو درست کردن هم یاد بگیر، آفرین!

در نهایت، شاید تو مدرسه، پرسش های کلاسی معلما باعث میشد یه مرور کوتاهی روی اون درس داشته باشی، اما اگه تو دانشگاه هم به این امید بشینی، آخر ترم تو هستی و چند صد تا جزوه ی حدودا ۲۰ صفحه ای که باید توی چند روز بخونیشون پس در طول ترم قدر لحظات رو بدون و خوندن و یادگیری هیچ چیزی رو به ترم بعد موکول نکن، چون به تجربه ثابت شده هر ترم از ترم قبلی خودش سخت تره!

تا چند وقت پیش برنامه روزانه ت توی «درس + غذا + خواب» خلاصه می شد؛ اما الان اگه بخوای بازم به این منوال ادامه بدی، تا سرت رو برگردونی می بینی ای دل غافل. شدم یه دندون پزشک!

شاید بگی که خب ما دقیقا به خاطر دندون پزشک شدن اینجایم. ولی باید بگم که یادم رفت توی سطر قبلی بنویسم «فقط» دندون پزشک. الانم نمیخوام ادیت کنم. چرا فقط دندونپزشک شدن خوب نیست؟ یعنی همه چیز یه دندون پزشک خوب، سواد و مهارتش نیست؟ چرا (شاید بگی اخلاق هم مهمه ولی اونم جزو مهارت های یه دندونپزشک خوب حساب میشه. آره میدونم پذیرشش سخته).

ولی آیا همه چیز یک انسان، شغلش و - در این مورد- دندونپزشک شدنشه؟ نه. قطعاً کلی زوایای دیگه از وجودت، استعدادها و مهارت هات و ابعاد روحت، نیاز به پرورش دارن، بنابراین باید یه تایمی هم به پرورش این موارد اختصاص بدی. اینم از این.

حالا با وجود این که دانشگاه مجازیه، چطور برنامه ریزم که به همه این مسائل برسم؟

احتمالاً با فاصله اندکی از شروع ترم، کلی فایل از سوی اساتید محترم براتون آپلود میشه (آپلود هم نیست صرفاً فوروارده می کنن!) که ممکنه سر درگم بشی

تا همین چند ماه پیش، وقت هایی که حواسم نبود، به جای دانشجو، به خودمون می گفتم دانش آموز. هنوز به این کلمه عادت نکرده بودم. ۱۲ سال لقمه رو آماده می کردند و میداشتند دهنمون که بفرمایید این درس ها رو از این منابع بخونید و این تست ها رو هم بنویسید و کارتون برای کنکور تمومه.

اما حالا خبری از این چیزها نیست. خودت هستی و خودت، ناسلامتی برای همین هم هست که اسمت رو گذاشتن دانش «جو» مثلاً!

این تو هستی که باید تصمیم بگیری هر درس رو چقدر و از کدوم منبع بخونی که سوادت بیشتر باشه. که فردا بالای سر مریض، کارت لنگ نزنه (مثلاً اگه یه وقت مریض در حین درمان ریشه ازت بپرسه حزب توده که بود و چه کرد- و تو انقلاب رو با ۱۰ پاس کرده باشی- جواب بلد نبودنت صورت خوشی نداره) بنابراین دانشجو **ییدن** برای خودش راه و روش خاصی داره.

بعد از ذکر مسئله، به شرح راه حل می پردازیم. چیزی که قطعاً خودت استادش هستی، **برنامه ریزی**.

برنامه ریزی برای دانشگاه، یه مقدار (خیلی کم تقریباً ۱۷۹ درجه) با چیزی که تو دبیرستان تجربه ش کردی فرق داره.

گروه، اکیپ، قبیله

امیر محمد انصاری فیض آبادی دانشجوی ترم ۲ دندانپزشکی

گروه و دسته و تیم شدن خیلی عادی و اقتضای روحیات ماست، اما هیچوقت اجازه نده یکدستی و یکپارچگی ورودی تون به خاطر گروه ها و دسته ها از بین بره. یادت نره اینجا، توی دانشکده دندانپزشکی، ورودی ها اساساً از ۴۰ نفر بیشتر نیستن؛ پس سعی کن رابطه ت با همین تعداد اندک، خوب باشه. به دردت میخوره ها!)

گروه و دسته و تیم شدن خیلی عادی و اقتضای روحیات ماست، اما هیچوقت اجازه نده یکدستی و یکپارچگی ورودی تون به خاطر گروه ها و دسته ها از بین بره. یادت نره اینجا، توی دانشکده دندانپزشکی، ورودی ها اساساً ۴۰ نفر بیشتر نیستن (طراح: البته ما الان از ۶۰ نفر بیشتریم)؛ پس سعی کن رابطه ات با همین تعداد اندک، خوب باشه. به دردت میخوره ها!)

وی در پایان افزود: رطب خورده منع رطب کرد!

فیلم، دوباره پاراگراف بالایی رو بخون! اما باند بازی و لابی، محدود به تیم ها نمیشه! گاهی اوقات اهداف مشترک میتونه باعث شگفتی بشه، وقتی مواردی مثل جنسیت، تهرانی/شهرستانی بودن، مثبت منفی بودن و... نقش پر رنگ تری دارند و میتونن تیمهارو از هم جدا کنن یا اونها رو بزرگتر کنن.

راستشو بخوای پاراگراف قبلی اونقدر مبهمه که خودم هم نمی فهمم چی نوشتیم! شاید بعضی تجربه هاست که همیشه منتقل کردشون! شاید لازمه خودت تجربه کنی. پس من به کاری که ازش متنفرم می پردازم. قراره نصیحت کنم:

فکر کن الان یک سال پیشه من، امیر محمد انصاری، تازه فهمیدم قراره دندونپزشکی بخونم، توی شهید بهشتی، اول از همه داخل چند تا گروه تلگرامی اضافه میشم، چند تا اکانت میبینم و باید قبول کنم که این اکانت ها «همکلاسی» من هستن!

لايه لای اکانت ها میشد خیلی راحت حجم تفاوت آدمها با همدیگه رو دید و من آدمی نیستم که بتونم با همه افراد نزدیکم، برخورد مشابهی داشته باشم؛ پس قبول کن کار اشتباهی نکردم که واسه خودم تیم جمع کردم: «!!!!» اون چیزی که انتظارش رو نداری اینه که بقیه هم، تیم جمع میکنن و تو ناگهان با مفهوم لابی و باند بازی آشنا میشی! و باید یاد بگیری به خاطر منافع خودت و قبیلت انصاف رو زیر پا بذاری، چون بقیه دارن همین کار رو میکنن! اصلاً... اصلاً هالیوود رو بذار کنار، فیلم اسپانیایی The Platform رو همین الان بذار تو لیست دانلودت. چیه؟ ربطی به موضوع نداشت؟ بعد از دیدن



خوابگاه

صبا اولیائی دانشجوی ترم ه دندانی پزشکی

مگه آدرس اینجا نبود؟

بدنسازي تعبيه شده و برای دخترها هم سالن والیباله که البته مسابقات ورزشی دیگه ای هم توش برگزار میشه مثل طناب زنی و ...

یه سری قوانین رو باید راجع به خوابگاه بدونی و رعایت کنی وگرنه پدرتو در میارن، اول اینکه برای دخترها رأس ساعت ۹:۱۵ حضور غیاب انجام میشه و اگه پیدات نکنن به فنای زرافه میری پس بهتره عین بچه آدم اون ساعت تو اتاقت باشی البته تو حموم و سرویس بهداشتی هم مشکلی نیس و خودشون صدات میزنن و اسمتو میپرسن تا حضوری تو بزنی. دوم اینکه از ساعت ۸ شب به بعد دروازه های خوابگاه به روی تمامی افراد بسته میشه و اجازه ورود و خروج ندارین، مگر موارد اورژانسی مثل رفتن به بیمارستان و اینا، که البته این قانون هم فقط شامل خوابگاه دختراست.

هر اتاق یه شوفاژ و یه دریچه کولر آبی داره که متاسفانه هر ساله از شروع تابستون تا اواسط مهر شاهد جنگ و دعوا سر کولر بی صاحب خوابگاهیم، به این دلیل که کولر تمامی اتاق ها فقط با یه کلید روشن و خاموش میشن و در حالیکه تو داری یخ میزنی و التماس

و ۴ کمد باریک و عمیق داره، با این حساب باید تا همین جا متوجه شده باشی چیارو بدی والدین محترم برگردونن! نظافت و وضعیت بهداشت و خرابی هر اتاق به عهده خودتونه و باید خودتون پیگیرش باشین، اگه کمدتون قفل نداشت، اگه پنجره خراب بود، اگه شوفاژ کار نمیکرد و ... باید حتما حتما خودتون به ناظمه ها اطلاع بدین، نگران نباش، در اسرع وقت براتون درستش میکنن، ناظمه چیه؟ ناظمه ها بانوانی هستن که لطافت عمه ها و به مهربانی زندان بان ها، که به صورت شیفی هر شب مسئول هر بلوک هستن و شما میتونید از طریق این عزیزان مشکلات اتاق و هم اتاقی و شیر آب حمام و توالت و گاز و ماز و ... رو اطلاع بدید.

محوطه خوابگاه فضای سرسبز و دلنشینی داره که معمولا شب پاتوق چای خوری بچه هاس، داخل محوطه یه بوفه هست که از خوراکی و غذای سرد آماده گرفته تا کبریت و دمیایی به فروش میره!

هر محوطه هم یه سالن ورزشی داره که برای پسران سرزمینم به صورت باشگاه

سفر به خیر ترمک جون! میدونم کلی راه تا اینجا اومدی و پشت ماشین رو از چهار دست قاشق چنگال گرفته تا سه ست کامل تشت حموم پر کردی و با خیال یه سوئیت دو نفره مجهز و جینگول همه چیتو آماده کردی ولی توروخدا قبل از اینکه مامان بابا برگردن دو دقیقه به حرفام گوش کن چون احتمالا باید ۷۰٪ جهیزیه تو بدی برگردونن! ابرای خیال بافی بالا سرتو بزن کنار بیا بشین ور دلم تا بهت از خوابگاه بگم، حالا آروم پیش میرم که یهو از شدت مغایرت واقعیت با افکارت بیهوش نشی!

اول باید بدونی اتاقا به اون بزرگی که فکر میکنی نیستن، هر اتاق تقریبا ۳ در ۳ هستش و داخلش ۳ تخت



اینو یا اونور؟



شما نمیدونی خوابگاه ما کجاست؟



میکنی خاموشش کنن، اتاق بغلی با یه لباس نازک تر از پر نشسته و همچنان از شدت گرما داره عرق می ریزه. خلاصه که اگه سرماییه هستی چند دست لباس گرم بیشتر بردار! چون تجربه نشون داده زور گرمایی ها به سرماییه ها بیشتر چربیده! تایم پخش غذا هم یه ساعات مشخصیه که باید بدونی وگرنه اگه دیر کنی غذات پریده، معمولا ظهرا از ساعت ۱ تا ۲ و شب از ۷ تا ۸ ساعات توزیع غذاست و بعد از اتمام این زمان، هر غذایی که مونده باشه به عنوان «غذای اضافه» به بدبخ بیچاره هایی که یادشون رفته غذاشونو تو سامانه سفارش بدن داده میشه. نترس خودتم حداقل یه بار قراره تو صف غذای اضافه بایستی!

محوطه خوابگاه پره از گربه، گاهی وقتا هم یه روباه شبا پیداش میشه ولی نگران نباش خطری نداره و فقط پیشی میدزده! پس اگه یه وقت نصف شب صدای جیغ گربه شنیدی بدون که آره!

خلاصه که اینا بیشتر نکاتی بود که باید بهت میگفتم تا با ذهن آماده بیای اینجا، ولی خب باید اینم اضافه کنم با وجود همه قوانین به ظاهر سخت و آزار دهنده، خوابگاه واقعا فضای قشنگیه و مطمئن

باش بهترین خاطره هارو همین جا کنار دوستان می سازی و قراره کلییی بهت خوش بگذره، آره عزیزم، خوش اومدی!

زود باش بریم تا سلف رو ببستن!!



کجاست آخه پس؟...



سفر به خیر ترمک جون! میدونم کلی راه تا اینجا اومدی و پشت ماشین رو از چهار دست قاشق چنگال گرفته تا سه ست کامل تشت حموم پر کردی و با خیال یه سوئیت دو نفره مجهز و جینگول همه چیتو آماده کردی ولی توروخدا قبل از اینکه مامان بابا برگردن دو دقیقه به حرفام گوش کن چون احتمالا باید ۷۰٪ جهیزیه تو بدی برگردونن! /

دانشجو شدیم خب که چی؟!

سید محمد معین میر ابراهیمی دانشجوی ترم ۸ دندانپزشکی

همدانشگاهی سلام!

ورودت رو به یکی از بهترین دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور تبریک میگم! البته همیشه دقیقاً از لفظ «ورود» استفاده کرد! بالأخره شرایط کرونایی کشور ایجاب میکنه که تا اطلاع ثانوی ترم یک رو تو خونه بگذرونی و درسا رو مجازی پاس کنی. (البته در جریان باش که به احتمال زیاد با سرعت گرفتن واکسیناسیون به‌زودی مثل ترم بالایی‌ها صابون حضوری شدن کلاس‌ها به تن تو هم بخوره و تشریف بیاری دانشگاه)

شکی نیست که دانشگاه مجازی فرقای زیادی با حضوری سر کلاس اومدن و امتحان دادن داره؛ خودت جفتش رو تجربه خواهی کرد؛ اما با وجود همه اینا، دو تا شباهت بزرگ دارن؛ یعنی دانشگاه‌ها چه حضوری باشن و چه مجازی، این دو تا مورد رو در خودشون دارن:

مورد اول اینکه شما چه تو خونه، صبح روی تخت خواب باشی و پای موبایل، شش دنگ حواست به استاد باشه (!) یا اینکه رو صندلی کلاس نشسته باشی و اسلایدهای استاد رو نگاه کنی در هر دو حالت خوابی... عع چیزه؛ اشتباه شد... در هر دو حالت باید درس بخونی! تو این مورد فرقی بین حضوری یا مجازی برقرار شدن کلاس نیست؛ چه بسا مجازی درس خوندن سختیای بیشتری داشته باشه

اما به هر حال، بیسندی یا نه، بخشی از دوره دانشگاهت به این صورت طی میشه و تو باید درسا رو بخونی، بدون تقلب کردن امتحان بدی؛ و واحدا رو پاس کنی. مهم‌ترین وظیفه تو به عنوان یه دانشجو درس خونده. اصلاً اگه بیای دانشگاه (یا نیای و تو خونه درسا رو بگذرونی) و به جای اینکه درس بخونی بری دنبال کاری دیگه و اون مهارتی رو که بعداً توی شغل لازم داری رو یاد نگیری، مطمئن باش مشغول‌الذمه (نمی‌دونم درست نوشتم یا نه:) دانشگاه و استاد هستی

و اما مورد دوم؛ اگه تا اینجا مورد اول رو خوندی، این یکی رو هم بخون که در طول دوران دانشجویی اشتباه نزن! واقعیت اینجاست که در طول این چند سال ایام شیرین دانشجو بودن، هرچقدر هم که درس بخونی، باز وقت خالی زیادی داری؛ به ویژه تو ترم‌های پایین و به ویژه تر تو این اوضاع کرونایی! پس سعی کن یه جور خودت رو سرگرم کنی، البته نه هرجوری! یکی از جذاب‌ترین کارایی که میتونی انجام بدی، اینکه نسبت به دانشگاهت بی‌تفاوت نباشی و مشارکت فعال داشته باشی. بعضاً دیده میشه یه سری از دانشجوها فقط دو تا کار رو تو دانشگاه انجام میدن: یکیش درس خونده و اون یکیش پایه‌گذاری برای آغاز زندگی مشترک؛ ایشالا که شما

از اوناش نباشی:

البته اشتباه نشه، خودمون هم گفتیم که مهم‌ترین وظایف‌ات درس خونده؛ اما مسئله اینجاست که در کنار اون باید اوقات خالیت رو با یه سری فعالیت مناسب که به درد هر دو دنیات بخوره پر کنی؛ فعالیت‌هایی که هم برای خودت فایده داشته باشه، هم برای بقیه. فعالیت‌هایی که هم تو دوران دانشجویی به دردت بخوره، هم تو آینده که رفتی سر کار.

خبر خوب این که زمینه‌های زیادی برای این کارا تو دانشگاه (حتی به صورت مجازیش) وجود داره؛ از کارای علمی و پژوهشی گرفته تا انواع و اقسام کارای هنری، کامپیوتری و... از اردوهای مختلف گرفته تا برنامه‌هایی که برای کمک به مردم محروم کشور انجام میشه؛ که اگر خدا بخواد وقتی شرایط بهتر شد و اومدی دانشگاه به چشم خودت می‌بینی. استعدادهای زیادی تو وجودت هست که ممکنه به رشته تحصیلت ارتباط چندانی نداشته باشه، اما ایام دانشجویی فرصتیه که اونا رو پرورش بدی. مهم‌ترین جا برای فعالیت‌های غیردرسی تو دانشگاه تشکلهای هستن؛ یعنی یه سری نهادهای با سابقه و درست و حسابی که دانشجوهای داخل اون قراره فعالیت‌های مختلفی رو طبق اونچه که مشخص کردن، انجام بدن و با مسئولین دانشگاه

خودمون یا دانشگاه‌های دیگه همکاری میکنن. مهم‌ترین حسن فعالیت تو یه تشکل اینکه که روحیه کار جمعی و گروهی رو تو آدم تقویت میکنه. میدونی که از قدیم معروف بوده که ما ایرانی‌ها تو کارهای گروهی ضعیفیم! چه خوب که حداقل تو خودمون این ایراد رو از بین ببریم.

تو دانشگاه ما تشکلهای فراوانی زیادی دارن؛ فعلاً بزرگ‌ترینشون بسیج دانشجویی هست که تو دانشکده‌های مختلف دفتر داره و میتونی اونجا عضو بشی. انواع و اقسام فعالیت‌ها هم داخلش

انجام میشه؛ از کارهای علمی، پژوهشی گرفته تا اردوهای مختلف و فعالیت‌های جهادی و محرومیت‌زدایی، هیئت، فعالیت‌های هنری یا حتی مطالبه‌گری‌های دانشجویی از مسئولین مختلف کشور و... یکی دیگه از تشکلهای هم انجمن اسلامی دانشجویان هست که به فعالیت‌های مختلفی مثل کارای فرهنگی، سیاسی و... می‌پردازه و از قدیمی‌ترین تشکلهای دانشگاهمونه.

علاوه بر اینا، کانون‌های فرهنگی هم هستن که برای انجام فعالیت‌های هنری (مثل

ادبیات، عکاسی و... راه‌اندازی شدن. یه نهاد دیگه هم وجود داره به اسم شورای صنفی که وظیفه پیگیری مسائل صنفی (مثل مشکلات خوابگاهی، تغذیه دانشجویها، سرویس‌ها و چیزایی از این قبیل) رو به عهده داره.

خیلی وقتت رو نمی‌گیریم؛ خلاصه حرفی که می‌خواستیم بهت بگیم اینه: ارزش تویی که انقدر تلاش و هوش و پشتکار داشتی که تو یکی از بهترین دانشگاه‌های کشور قبول بشی قطعاً بیشتر از اینکه که یه سرت رو بندازی پایین و درست رو بخونی و مدرکت رو بگیری و بری! از همین الان تلاش کن تو محیط اطرافت اثر بذاری؛ برای جایی که توش زندگی میکنی تلاش کنی و نسبت به اون بی‌تفاوت نباشی. این چند سال طلایی‌ترین سال‌های عمرته؛ ازشون درست استفاده کن که دیگه تکرار نمیشن. اگه تونستی تو این چند سال بارت رو ببندی و خودت رو تقویت کنی که خوش به حالت؛ اگه نه، اون موقع کلاهت پس معرکه‌ست!

معرفی برنامه‌های تشکل بسیج دانشجویی علی عمرانی دانشجوی ترم ۶ دندانپزشکی

سلام بر تو دانشجوی ترم‌کی که تو ذهنت انبوهی از علامت سوال هاییه که فضای دانشگاه و فعالیت های اون چه شکلی هستش.

تو این متن سعی کردیم گوشه ای از فعالیت های تشکل بسیج دانشجویی رو برای شما ارائه بدیم تا بر حسب علاقه ای که داری بتونی تو انواع برنامه ها شرکت کنی. اول از همه چند جمله ای در رابطه با خود بسیج دانشجویی بگم و بعد بریم سراغ برنامه هامون:

از قدیم الایام در دانشکده دندانپزشکی شهید بهشتی، بسیج دانشجویی، فعال ترین و جامع ترین تشکل دانشجویی بوده که مخاطبش کل دانشجویها پس همین اول کاری جمله هایی مثل اینکه «من فلان هستم و فلان پس نمیتونم تو برنامه های بسیج پیام رو بریز دور»:

هدف از برنامه های بسیج فقط و فقط یک چیزه: اینکه توی دانشجویی که وارد دانشگاه شدی، ۶ سال بعد که از دانشگاه رفتی بیرون به جز اینکه یک آقای دکتر یا خانم دکتر توانمند هستی بتونی تو باقی مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مدیریتی و اجرایی هم توانمند بشی و هم برای خودت و هم برای کشور مفید باشی.

فعالیت هامون:

گروه جهادی منتظران مصلح (عج)

اگر خدایی نکرده، از دستت در رفته باشه و با دلیلی به جز پول در آوردن، رشته دندانپزشکی رو انتخاب کردی و اگر احيانا قصد خدمت به مردم رو داری اردوهای جهادی ما که در زمینه رشته تخصصی خودمون هم هستش بهترین جا برای این خدمت کردن به مردم محروم کشورمون هستش. ولی جدای از شوخی یکی از بهترین برنامه های بسیج که بعد از اجرائش، همگی از ته دل راضی هستیم همین اردوهای جهادی هستش و توصیه می کنیم که شما هم این تجربه رو داشته باشید!

در کنار اردوهای جهادی کلی هم برنامه های خیریه و انسان دوستانه داریم که میتونی تو این برنامه ها هم مشارکت داشته باشی.



فعالیت های علمی

فعالیت در زمینه های تخصصی، علمی و پژوهشی هم از فعالیت های بسیج هستش که توی دو بخش قابل بررسی هست:

- ۱- افزایش بعد علمی-پژوهشی دانشجویها که با برگزاری کارگاه های مقاله نویسی، وبینار های علوم پایه و المپیادهای دانشجویی و تولید محتوای های علمی از رفرنس های درسی انجام میشه.

- ۲- افزایش آگاهی نسبت به مسائل اصلی و بنیادی نظام سلامت کشور علی الخصوص رشته دندانپزشکی



اردوهای زیارتی و تفریحی

در زمان های خیلی دور (تقریباً دو سال پیش!) که خبری از کرونا نبود این برنامه ها از جمله جذاب ترین برنامه ها بودن که خب البته با ظهور این بیماری تا حدی کم رنگ شد ولی انشاءالله با برگشت به شرایط عادی این برنامه ها هم به حالت قبل بر میگردد..

هیئت ابناء الزهرا (س)

هیئت دانشجویی دانشگاه که در مقبره ی شهدای گمنام دانشگاه واقع در پردیس نیایش (دانشکده های پرستاری و داروسازی) برقرار هستش و در ایام ولادت و شهادت اهل بیت، مراسم های جشن و عزاداری برگزار می شه.



فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

این قصه سر دراز داره و خودتون میاید میبینید انشاءالله. از برگزاری کرسی های آزاداندیشی و مباحثه روی مسائل مختلف، گعده های تشکیلاتی، مسابقه های متنوع کتابخوانی، برگزاری دوره های مختلف مهارتی و فرهنگی گرفته تا هر چیز دیگه ای که شما بهش نیاز داشته باشید. (میتونی پیشنهاداتت در این زمینه رو برامون از طریق راه های ارتباطی ارسال کنی)



نشریه مبین

تنها نشریه ی دانشکده ی دندانپزشکی که در طی دوازده سال ۴۴ شماره ازش منتشر شده که در این نشریه به موضوعات علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی و ... پرداخته میشه. اگه قلم توانمندی داری یا به نویسندگی علاقه داری، فعالیت تو نشریه مبین رو به شدت بهت توصیه میکنیم! در صفحه آخر هم راه های ارتباطی رو براتون گذاشتیم تا اگر انتقاد یا پیشنهادی داشتید برامون ارسال کنید!

سال ها پیش تو تلویزیون یه حرفی از آیت الله طالقانی شنیدم، هنوزم که هنوزم جلوی چشممه...

ایشون گفتن اگه شما تو یه بیابون باشین، هیچ نوری نداشته باشین؛ لنگان لنگان با نور ستاره ها راهتون رو پیدا می کنید و به مقصد می رسین؛ ولی اگه یه فانوس دستتون باشه باعث میشه جز سه چهار متر جلوتون هیچ جای دیگه رو نبینین... نداشتن نور در بیابون افضل از اینه که یک نور کوتاه بردی مثل فانوس دستتون باشه...

آنکس که نداند و بداند که نداند
لنگان خرک خویش به مقصد برساند

علم کم، عین همین نور فانوس میمونه... طرف میره فیزیک می خونه قانون گرانش رو می خونه بعد فکر می کنه اون فرموله که زمین و آسمون رو نگه داشته... بعد این پخمگی تا جایی ادامه پیدا می کنه که میگه خدا یه فرمول پیچیده ریاضیه...

یادمه یبار توی قطار شش ساعت با یه نفر سر این قضیه بحث می کردم... سر مسائل ژنتیک و ... یه مغالطاتی می کرد(البته دست خودش نبود سوادشو نداشت). برای اثبات حرفه اش، معلوم بود نور فانوسش حتی نیم متر جلوترم نشون نمیده...

مراقب باشیم نور های کمی که کسب می کنیم ما رو از نور عظمت جهان هستی غافل نکنه...

مهدی عباسی
دانشجوی ترم ۵ دندانپزشکی

از حسن توجه شما سپاس گزاریم...
شماره ۴۴ ام نشریه مبین هم به اتمام رسید. هر کاری ضعف و کاستی هایی دارد و نشریه مبین نیز از ضعف و خطا مصون نیست؛ در ابتدا بابت تمام کمبود ها و کاستی ها از شما بزرگواران عذر تقصیر طلب می کنیم و سپس سراپا گوش می شویم برای هرگونه انتقاد یا پیشنهادی برای بهبود وضعیت نشریه بزرگ مبین و... می نویسیم چون قلم باقی است.



DentistryBSBMU



arman.dent_sbmu



nashrie_mobin

